

الله الرحمن الرحيم

۲۲۴۱۷

۱۳۸۰ / ۴ / ۳۰

011558

دانشگاه قم
دانشکده تربیت مدرس

□

موضوع رساله تحقیقی

گناه در اسلام

□

استاد راهنما

دکتر بهشتی

□

استاد مشاور

آیه الله معرفت

□

محقق

هادی واسعی

دانشجوی دوره هفتم

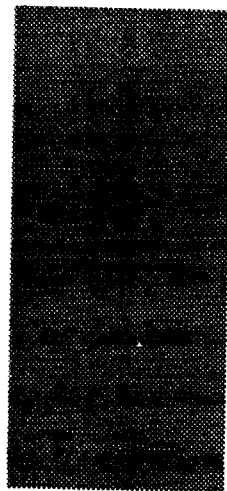
تقدیم به:

مرحوم استاد علی صفایی حائری رضوان الله تعالی علیه
فرزانه‌ای که با علو روح و صفای باطن عارفانه
کام زدن و عاشقانه بار برداشتن، می‌آموخت.

۹	◀ فصل اول: تعریف گناه
۱۱	□ شناخت گناه
۱۳	□ ۱- جهان‌شناسی در قرآن
۱۴	○ ۱-۱- توصیف به «حق»
۱۸	○ ۱-۲- توصیف به «اجل»
۱۹	○ ۱-۳- توصیف «قدر»
۲۳	□ ۲- انسان‌شناسی در قرآن
۲۳	○ ۲-۱- انسان بعنوان خلیفه الهی
۲۴	○ ۲-۲- کرامت انسان
۲۶	○ ۲-۳- ترکیب انسان از روح و جسم
۲۸	○ ۲-۴- معاد (استمرار انسان)
۳۰	○ ۲-۵- یک انتخاب و دو مسیر
۳۴	□ ۳- هدایت در قرآن
۳۵	○ ۳-۱- هدایت تکوینی
۳۶	○ ۳-۲- هدایت تشریحی
۳۸	○ ۳-۳- سعادت و شقاوت
۴۲	○ ۳-۴- نظام احسن
۴۵	○ ۳-۵- گناه از منظر عرفا
۴۸	◀ فصل دوم: ارکان گناه
۵۰	□ ۱- علم
۵۹	□ ۲- اراده
۶۵	□ ۳- عمل
۶۹	◀ فصل سوم: تقسیم گناه
۷۰	□ تقسیم گناه
۷۰	□ بخش اول: تصویر نظام طولی برای گناهان
۷۲	○ ۱-۱- ملائک در کبائر
۷۷	□ بخش دوم: تصویر نظام عرضی برای گناه
۷۸	○ ۱- گناهان اعتقادی

۸۳	○ ۲- گناهان اخلاقی
۸۶	○ ۳- گناهان فقهی
۹۰	○ محرمات در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها
۹۰	○ محرمات در ازدواج
۹۰	○ حرام در معاملات
۹۱	○ حرام در بازی‌ها
۹۱	○ ۴- گناه اجتماعی
۹۴	● ۴-۱- جامعه دینی و روح الهی
۹۶	● ۴-۲- مجرمین در قرآن
۹۹	● ۴-۳- چهره‌های مختلف مجرم
۱۰۰	○ ایجاد تزلزل اعتقادی در میان مومنین
۱۰۰	○ ایجاد شکاف بین مردم و رهبری
۱۰۰	○ ایجاد فتنه و آشوب
۱۰۰	○ جاسوسی برای دشمن
۱۰۱	○ ایجاد تزلزل در تصمیم
۱۰۱	○ ایجاد ترس در بین مردم
۱۰۱	○ ایجاد فساد در جامعه
۱۰۱	○ استهزاء و تمسخر مومنین
۱۰۱	○ ادعای اصلاح‌گری در جامعه
۱۰۱	○ زد و بند با دشمنان اسلام
۱۰۵	◀ فصل چهارم: آثار گناه
۱۰۶	□ آثار گناه
۱۰۷	□ ۱- فرق امتحان الهی با عذاب الهی
۱۱۰	□ ۲- اثرات گناه در دنیا (مکافات تکوینی)
۱۱۰	○ ۲-۱- گناه مخصوص اقوام
۱۱۱	○ ۲-۲- اثرات گناه بر افراد
۱۱۶	○ ۲-۳- اثرات گناه بر طبیعت
۱۱۷	○ ۲-۴- گناه و حبط اعمال
۱۱۹	□ آیات قرآنی:
۱۱۹	□ روایات:
۱۲۰	□ ۳- اثرات گناه در دنیا (مکافات تشریحی)
۱۲۲	□ ۴- اثرات گناه در آخرت
۱۲۴	◀ فصل پنجم: تنزیه پیامبران (ع)
۱۲۵	□ عصمت پیامبران
۱۲۶	□ معنای عصمت
۱۲۸	□ انظار مختلف پیرامون عصمت انبیاء
۱۲۹	□ ۱- حضرت آدم (ع)

۱۳۱	○ ۱-۱- گناه نخستین
۱۳۵	□ ۲- حضرت نوح(ع)
۱۳۶	□ ۳- ابراهیم خلیل الله(ع)
۱۳۸	□ ۴- حضرت یوسف(ع)
۱۴۰	□ ۵- موسی(ع)
۱۴۱	□ ۶- داود(ع)
۱۴۲	□ ۷- پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم
۱۴۴	◀ فصل ششم: نجات از گناه
۱۴۵	□ نجات از گناه
۱۴۶	□ احساس گناه
۱۴۹	□ راههای مختلف نجات
۱۴۹	○ ۱- توبه
۱۵۳	○ ۲- استغفار
۱۵۷	○ ۳- تکفیر سیئات
۱۵۹	○ ۴- تحمل سختی‌ها و رنج‌ها
۱۶۰	○ ۵- اجرای حدود الهی
۱۶۰	○ ۶- شفاعت
۱۶۳	◀ فصل هفتم: گناه و تئوری نجات در سایر ادیان
۱۶۴	□ گناه و تئوری نجات در سایر ادیان
۱۶۵	□ گناه و تئوری نجات در آئین زرتشت
۱۶۹	□ گناه و تئوری نجات در آئین یهود
۱۷۲	□ گناه و تئوری نجات در آئین مسیح(ع)
۱۷۳	○ الف. آزادی از مرگ و گناه
۱۷۴	○ ب. کفاره شدن برای گناهان
۱۷۵	○ ج. محبت تحول آفرین
۱۷۶	○ الف. تعمید
۱۷۶	○ ب. تأیید (یا تثبیت ایمان)
۱۷۶	○ ج. ازدواج مسیحی
۱۷۶	○ د. درجات مقدس روحانیت
۱۷۷	○ ه. اعتراف
۱۷۷	○ و. تدهین (روغن مالیدن)
۱۷۷	○ ز. عَشای ربّانی
۱۷۸	◀ ضمیمه: کلید واژه‌ها
۱۹۳	◀ منابع



پیشگفتار

گناه یکی از موضوعات کلامی است که در ادیان استعمال واژه آن رایج و شایع می‌باشد ولی آنطوری که استعمال می‌شود هنوز ماهیت و چیستی آن روشن نیست. برآستی گناه چیست؟ ماهیت آن کدام است و ارکان و اجزاء آن چه می‌باشد؟ گناه چگونه تحقق می‌یابد و چگونه از بین می‌رود؟ آثار و تبعات آن چیست؟ و چگونه می‌شود طوری زندگی کرد که گناهی صورت نگیرد؟ در این رساله سعی شده است که از این منظر به گناه پرداخته شود یعنی چیستی و کیفیت تحقق آن. زیرا از منظرهای دیگر، در مورد گناه آثار زیادی وجود دارد، مانند تقسیم گناهان به کبیره و صغیره و یا آثار گناه و مسائل اخلاقی آن.

این رساله در هفت فصل به مباحثی از گناه پرداخته شده است که فصل اول آن اختصاص دارد به تعریف گناه و حقیقت آن، و اثبات این مبنا که گناه یعنی درگیری با نظام هدایتی الهی.

فصل دوم، به ارکان گناه اشاره دارد و به بررسی سه رکن در گناه یعنی «علم» و «اراده» و «عمل» پرداخته شده است.

در فصل سوم، گناه به دو تقسیم طولی و عرضی تقسیم گردید، در تقسیم طولی گفته شد آیا گناه دارای حقیقتی متواطی است یا مقول به تشکیک است.

و در تقسیم عرضی گناه از دید اعتقادی و اخلاقی و فقهی و سیاسی به این مسئله نگاه شد.

فصل بعدی به آثار گناه می‌پردازد و آثار دنیوی و اخروی آن را مورد گفتگو قرار می‌دهد و در آثار دنیوی به اثر گناه بر فرد و اجتماع و اثر آن بر طبیعت و حوادث

طبیعی و بهم خوردن نظم آن اشاره دارد.

بحث از عصمت انبیاء و شبهه ارتکاب گناه پیامبران موضوع فصل پنجم است. که در این فصل به تنزیه انبیاء(ع) و نیز بحث گناه نخستین که مربوط به آدم و حوا است پرداخته شده و شبهاتی که پیرامون عدم عصمت انبیاء مطرح است جواب داده شده است. نجات از گناه و از تبعات آن، و راههای نجاتی مانند توبه و استغفار و شفاعت و... از مباحث فصل ششم می‌باشد.

و در فصل هفتم نگاهی بسیار مختصر و تطبیقی به گناه و تئوری نجات در سایر ادیان، آمده و در پایان کلید واژه‌هایی آورده شده است که به شرح و توضیح معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌های گناه می‌پردازد.

آنچه که در این رساله آورده شده قطعاً احتیاج به بحث و بررسی‌های عمیق‌تری دارد خصوصاً فصل اول و دوم. زیرا این دو فصل از مباحثی است که کمتر به آن پرداخته شده و منابعی مستقل و مستوفی در این زمینه وجود ندارد، ولی امید است که در فرصتی مناسب‌تر و زمینه‌ای مساعدتر به توسعه کیفی و کمی این مباحث بپردازم و از عزیزانی که در این زمینه قلم زده‌اند و زحمت کشیده‌اند، بهره بیشتری برده و در غنای آن کوشش کنم.

در پایان از زحمات و عنایات آقایان، حضرت آیه الله دکتر بهشتی استاد محترم راهنما، و حضرت آیه الله معرفت استاد محترم مشاور، کمال تشکر و امتنان را دارم. و نیز بر خودم لازم می‌دانم که از جناب آقای دکتر ذبیحی ریاست محترم دانشکده بخاطر محبتها و توجهات بی دریغ ایشان نسبت به دانشجویان و از آقای موسوی مسئول کتابخانه بخاطر همکاری صمیمانه‌اش تشکر و قدردانی کنم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین
با تقدیم دعای خیر
هادی واسعی - دانشجوی کارشناسی ارشد دوره هفتم

فصل اول

تعریف گناه

□

▷ بخش اول: جهان‌شناسی در قرآن

▷ حق

▷ اجل

▷ قدر

□

▷ بخش دوم: انسان‌شناسی در قرآن

▷ خلیفه‌الله

▷ کرامت انسان

▷ روح و جسم

▷ معاد

▷ انتخاب

□

▷ بخش سوم: هدایت در قرآن

▷ هدایت تکوینی

▷ هدایت تشریحی

▷ سعادت و شقاوت

▷ نظام احسن

▷ گناه از منظر عرفا

گناه از مسائلی است که در اندیشه‌های دینی و گزاره‌های متون مقدس طرح شده است و اگر وحی نبود، انسان تصویری از گناه نمی‌توانست داشته باشد، و علت آن امر این است که وحی به انسان مسائلی را می‌آموزد که بدون آن انسان بالقوه توانایی و استعداد شناخت آنها را نمی‌داشت، این مسأله را قرآن کریم به این صورت یادآور می‌شود: کما ارسلنا فیکم رسولاً منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یتزکیکم و یعلمکم الکتاب والحکمة و یعلمکم مالم تکنوا تعلمون.^۱ معنای جمله اخیر این است که انبیاء الهی علیهم السلام بوسیله وحی الهی که از حق دریافت کرده‌اند و با غیب آشنا شده‌اند به انسانها مسائلی را می‌آموزند که هرگز مقدور انسان نبوده است که بیاموزد، یعنی هر مقدار که علوم پیشرفت کند و حتی مسائل و علوم عقلی در میان بشر به تکامل برسد، باز هم انسان یارای دانستن و شناخت آنها را نداشت، به تعبیر استاد جوادی آملی:

«مستفاد از جمله «مالم تکنوا تعلمون» که کان منفی در آن بکار رفته است. نفی اصل زمینه استقلال و خودکفایی در تعلم است، نه تنها فقلیت آن، یعنی پیامبر چیزی یاد انسان‌ها می‌دهد که نه تنها انسانها بالفعل عالم نیستند، بلکه قوه فراگیری آن را مستقل و بی نیاز از وحی ندارند. اگر انبیاء نباشند بسیاری از مسائل ماوراء طبیعت، اعم از مبدأ و معاد، نظیر مسأله بهشت و جهنم، مسأله برزخ و مانند آن حل نخواهد شد، زیرا این امور نه جزء علوم تجربی‌اند و نه جزو علوم عادی، که انسان به آنها دسترسی داشته باشد و با پیشرفت صنعت و کوشش‌های پیگیر آنرا یاد بگیرد، پس انبیاء

چیزی به انسانها یاد می‌دهند که اگر نباشند هرگز فراگیری آنها میسر انسانها نیست.^۱ از جمله مسائل این علوم الهی، مسأله گناه است و تازمانی که به سراغ وحی نرویم و به بررسی آیات و روایات نپردازیم. تصویری نمی‌توان از گناه و ماهیت و چیستی آن و آثار و تبعات آن و تقسیم و تبیین آن داشت. و چون موضوع رساله حاضر «گناه در اسلام» می‌باشد. سعی شده است تا حد توان و با عنایت حضرت حق به ابعاد این مسأله و شرح و تفسیر آن پردازم. و استفاده از کتاب و سخنان پیامبر اکرم و روایات معصومین سلام الله علیهم که مجموع وحی را تشکیل می‌دهد،^۲ منبع اصلی کار تحقیقاتی قرار دهم.

□ شناخت گناه

برای شناخت گناه، ابتدا باید شناختی از نظام هستی بدست آورد زیرا خداوند در کتاب کریم خودش توصیفات از عالم خلقت دارد، و انسان را دعوت به تعمق و تفکر در خلق زمین و آسمانها - و

۱- کرامت در قرآن صفحه ۶

این نظریه که عقل کفایت کافی از شناخت کل هستی و نظام آفرینش را ندارد و توانایی درک تمام اسرار پنهان را نمی‌تواند داشته باشد در غرب نیز مطرح است.

برای مثال آکوئیناس می‌گوید: وحی واجب است، زیرا مهمترین حقائق الهی یا الهیات در دسترس عقل نیست. راز الوهی رستگاری را خداوند خود به طریقی که صلاح دانسته است برای بشر آشکار کرده است. (علم و دین، ایان بار - بور - ص ۲۳)

و یا کانت می‌گوید: عالم واقع نه فی نفسه بلکه از لحاظ ارتباطش با ما انسانها به دو بخش قابل تقسیم است یک بخش به ادراک در آمدنی و یک بخش به ادراک در نیامدنی که ما انسانها تا ابدالآباد از درک آن محرومیم.

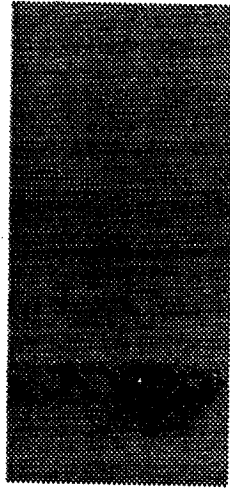
(تاریخ فلسفه غرب ج ۳ استاد ملکیان، ص ۱۰۸).

۲- خداوند در قرآن می‌فرماید: انا انزلنا الیک الكتاب لتبین للناس ما نزل الیهم (نحل / ۴۴) پس وحی یعنی مجموع

کتاب و گفته‌های رسول گرامی و در وصف پیامبر فرمود: ما یناطق عن الهوی، ان هو الا وحی یوحی (نجم / ۴) پیامبر هم فرمودند انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتم بهمانن تضلوا ابدأ (منابع فریقین).

یتفکرون فی خلق السموات و الارض^۱ - و تفکر در خویشتن خویش اولم یتفکروا فی انفسهم^۲ و...
می‌کند پس باید دید نظام هستی بر چه اساسی استوار شده است و خداوند چگونه این نظام را طراحی و
توصیف کرده است و سپس باید دید انسان چه موجودی است و چه نقشی را در کل نظام آفرینش بازی
می‌کند، زیرا به نظر می‌رسد که گناه امری است که یک سر آن به انسان مربوط می‌شود و یک سر دیگر
آن مربوط به کل نظام می‌باشد. پس باید قبل از پرداختن به گناه، عالم را آنچنان که خداوند بیان کرده
است شناخت و انسان را آنچنان که توصیف شده است مورد نظر قرار داد.





بخش اول

□ ۱- جهان شناسی در قرآن

نظام عالم را در قرآن خداوند از مناظر گوناگون مورد توجه قرار داده است، گاهی اشاره به زمان خلقت دارد؛ ان رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ^۱

و يَا قُلِ انكُم لتكفرون بالذی خلق الارض فی یومین^۲

و؛ و قَدَّرَ فِيهَا اَقْوَاتَهَا فِي اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ^۳

و گاهی اشاره به کیفیت خلقت دارد، مانند؛

- الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ^۴

- اَنَا زِينَةُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ^۵

- حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ^۶

و گاهی اشاره به تعداد دارد.

- فَسَوَّيْنَهَا سَبْعَ سَمَاوَاتٍ^۷

۱- اعراف / ۵۴

۲- فصلت / ۹

۳- فصلت / ۱۰

۴- ملك / ۳

۵- صافات / ۶

۶- حجر / ۱۷

۷- بقره / ۲۹

- و بنینا فوقکم سبعا شداداً^۱

ولی آنچه که مقصود اصلی ما را تأمین می‌کند، آن وجه هدفدار بودن خلقت است و اینکه در خلق زمین و آسمان چه هدفی مترتب می‌باشد، و با چه قانونی همراه است و چه میزانی در آن بکار رفته است.

○ ۱-۱- توصیف به «حق»

- هو الذی خلق السموات و الارض بالحق (انعام / ۷۳)

- و ما خلقناهما الا بالحق (دخان / ۳۸)

- و ما خلق الله السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق (روم / ۸)

و آیات بسیاری که از آنها استفاده می‌شود خلق زمین و آسمان بحق بوده است، اما مراد از

حق چیست؟

حق در لغت به معنای ثبوت است، به معنای صفت هم استعمال می‌شود یعنی ثابت. و در مقابل حق، باطل قرار دارد. و چون حق و باطل در هر جا معنای خاصی دارد و حق در عُرف به معانی مختلفی استعمال شده است که هفت مورد آن را بیان کرده‌اند.^۲ پس حق با مقابلات آن بهتر روشن می‌شود.

مرحوم علامه طباطبائی قدس سره در ذیل این کریمه در توضیح معنای حق می‌فرماید:

«عمل حق که در مقابل عمل باطل است، آن فعلی است که فاعل آن نتیجه‌ای در نظر گرفته که فعلش خودبخود بسوی آن نتیجه پیش می‌رود. و چون می‌بینیم هر یک از انواع موجودات این جهان از اول پیدایش و تکونش متوجه نتیجه و غایتی است نشان شده و مشخص. که جز رسیدن به آن غایت، هدف دیگری ندارد. و نیز می‌بینیم که بعضی از این انواع غایت بعض دیگر است. یعنی برای اینکه دیگری از آن بهره‌مند شود بوجود آمده است و نیز حیوان که برای انسان خلق شده، پس مدام خلقت عالم از مرحله‌ای به مرحله‌ای و از غایتی به غایت شریف‌تری در حرکت است تا اینکه به مرحله‌ای برسد که

۱- نبأ / ۱۲.

۲- سلسله درسهای معارف قرآن، ص ۱۶۱-۱۶۳.

دیگر فوق آن غایتی نیست و آن بازگشت بسوی خدای سبحان است

... با بیانی که گذشت روشن می شود که عمل وقتی غایت و خاصیتی نداشت که مورد نظر فاعل باشد بلکه فقط خود فعل مورد نظر فاعل باشد این عمل باطل است، حال اگر این فعل باطل برای خود نظامی داشته باشد آن فعل را بازیچه می گویند، عمل بچه ها را از این جهت بازی می گویند که حرکات و سکناشان برای خود نظام و ترتیبی دارد ولی هیچ منظوری از آن فعل ندارند بلکه تنها منظورشان ایجاد آن صورتی است که در نفس خود قبلاً تصویر کرده و دلہایشان نسبت به آن صورت شایق است.^۱»

مرحوم علامه، حق را مساوی با هدف داشتن می گیرند^۲ یعنی هدفی غیر از خود فعل که خود فعل باید برای آن غایت بوجود آید، اما اگر خود فعل هدف بود و غیر از خود فعل غایتی دیگر که فعل بسوی آن در حرکت باشد و برای آن ایجاد شده باشد وجود نداشته باشد آن فعل باطل است.

«... فعل خدای تعالی (خلق این عالم) از این نظر حق است که در ماورای خود و بعد از انهدام خود اثر و خلف و هدفی باقی می گذارد. و اگر غیر از این بود و دنبال این عالم اثری باقی نمی ماند، فعل خدای تعالی باطل بود، و لابد این عالم را بمنظور رفع خشکی و سرگرمی و تسکین غصه ها و غم ها و یا تفریح و تماشا یا رهایی از وحشت تنهایی و امثال آن خلق کرده، و لکن از آنجایی که خدای سبحان عزیز و حمید است و با داشتن عزت هیچ قسم ذلت و فقر و فاقه و حاجتی در ذاتش راه ندارد، می فهمیم که از عمل خود یعنی خلقت این عالم غرض و هدفی داشته است.^۳»

پس حق بودن، یعنی هدف و غرض داشتن، هدفی از خلقت زمین و آسمان در کار است و به عبارت دیگر زمین و آسمان و نظام عالم با حق یعنی با هدف و برای غایت و غرض مشخص خلق شده

۱- ترجمه المیزان ج ۲۳ ص ۶۴ چاپ محمدی.

۲- در تفسیر نمونه ج ۱۶ ص ۳۷۲ درباره معنای «بالحق» آمده است: تعبیر بالحق ممکن است دو معنی داشته باشد؛ یکی توأم بودن آفرینش با حق و قانون و نظم است، و دیگر اینکه هدف آفرینش هدف عقلی بوده است و البته این دو تفسیر با هم منافات ندارند. که در صورت اول «باء» در بالحق برای مصاحبت است و در صورت دوم به معنی «لام».

۳- ترجمه المیزان، ج ۲۳ ص ۶۷ چاپ محمدی.